یادداشت مخاطب

نگاهی به کتاب «خال سیاه عربی»

سفرنامه حج یا مسافر احساس

حسین مولوی
همراه‌فرهیختگان

سفرنامه‌نوعی گزارش است کهنویسنده در آن مشاهدات خود از اوضاع شهرها یا سرزمین‌هایی که به آنها سفر کرده را شرح می‌دهد. سفرنامه‌ها گنجینه‌ای از اطلاعات هستند که با آنها می‌توان به واقعیت‌هایی از وضع اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ادواری از تاریخ مردم یا منطقه‌ای پی‌برد که دستیابی به آنها با کتب تاریخی میسر نیست. می‌توان ادعا کرد که یکی از مهم‌ترین سوژه‌ها برای نگارش سفرنامه در گستره ادبیات جهانی سفر به خانه خدا در شهر مکه معظمه بوده است. درطول تاریخ میلیاردها انسان برای انجام فریضه حج راهی این سرزمین مقدس شده و در کنار خانه خدا به عبادت می‌پردازند. از میان همه کسانی که به این سفر رفته‌اند تعدادی از آنها دست به قلم برده و سفرنامه نوشته‌اند. در مقاله‌ای که در مجله «آینه پژوهش» چاپ شده، از ۳۵۳ سفرنامه حج نام برده شده که تا سال ۱۳۹۲ منتشر شده‌اند. اولین سفرنامه حج به زبان فارسی سفرنامه ناصرخسرو قبادیانی است. اما در میان سفرنامه‌ها برخی اثرگذارتر بوده و برخی در گوشه کتابخانه‌ها فراموش شده‌اند. ازجمله سفرنامه‌های معروف می‌توان به سفرنامه ناصرخسرو اشاره کرد. آن مرد بزرگ با امکانات آن زمان قدم به قدم سفر خود از بلخ تا بلخ را- که هفت سال طول کشید- نگاشته و برای بشر امروز پنجره‌ای گشوده روبه هزار سال پیش. گویی ناصرخسرو از شهرهایی که گذشته برای هزار سال بعد تصویر گرفته و قاب گرفته در کتاب سفرنامه. شیوایی بیان با ذکر جزئیات و تاریخ ورود و خروج به هر شهری از ویژگی‌های این سفرنامه تاریخی است. «خسی در میقات، جلال آل احمد یکی دیگر از همین دست سفرنامه‌هاست. خسی در میقات از زمان انتشار- این کتاب تاکنون در ۳۰ سال توسط ۲۰ ناشر چاپ شده- یکی از کتاب‌هایی است که بسیار مورد استقبال قرار گرفته است. همه کسانی هم که دست به قلم برای نوشتن سفرنامه بوده‌اند بعید است به این کتاب نظر نداشته باشند. سفرنامه کسی که آخوندزاده بوده، ولی کمونیست شده، مدت‌ها خدا

ونماز را کنار گذاشته ولی در فرودگاهی که عازم حج است دوباره روی به نماز آورده، حتما می‌تواند خواندنی باشد. جلال هم سفر را بسیار خوب روایت کرده و هم نگاه غربزدگی‌اش را با شواهدی در عربستان و مکه و مدینه به خواننده تفهیم کرده است.

این روزها سفرنامه «خال سیاه عربی» حامد عسگری در مدت کوتاهی به چاپ ششم رسیده است. این سفرنامه که توسط انتشارات امیرکبیر منتشر شده، دقایقی از بخش خبری ۲۰:۳۰ راهم به حوضا خصاص داد که در آن به تمجید از کتاب پرداخته شد. (که از دیدگاه نگارنده این سطور ترجیح بلا مرجح است). با این اوصاف خال سیاه عربی داشت. قطع به یقین شاهد پخش سریال هایی مانند «مختار نامه» و «معصومیت از دست رفته» و فیلم‌های «وسعیرا» هم خواهیم بود تا سهمیه هر سال من فراموش نشود.

پیشنهادهایی برای تلویزیون

مجددا برای مدیران محترم سازمان صداوسیما یادآوری می‌کنیم که محرم امسال به دلیل شرایط ویژه حاکم بر کشور و دنیا خاص است و اهمیت دارد. گروهی که خودشان مراسم عزوسی برگزار می‌کنند و سفرشان قطع نمی‌شود منتظر نشستند که پس از اتمام ماه محرم و حتی صفر، تمام بیماری‌ها و مرگ‌ومیرها را به گردن عزاداری برای امام حسین(ع) بیندازند و گروهی دیگر هم بی‌توجه به پروتکل‌های بهداشتی و خطرات احتمالی و برای شلوغ شدن منبرشان، مردم را به خیابان‌ها می‌کشانند و خاطرشان را بی‌دلیل راحت می‌کنند که ویروس کرونا با عزاداران سیاسلشدا کاری ندارد. در این شرایط صحبت‌های رهبری در روز عید قربان هرچند تکلیف را برای مداحان و منبری‌ها روشن کرد، اما اوضاع را برای تلویزیون سخت‌تر کرد. تلویزیون باید هم خوراک مناسب به بینندگان ثابت احتمالی‌اش بدهد و هم باید سعی در جذب اقشاری بکند که عموما بیرون از خانه عزاداری می‌کردند و حالا شاید نگاه داشتن‌شان در خانه سخت باشد.

در این حال و احوال برای مدیران تلویزیون پیشنهادهایی داریم که شاید هم به تنوع برنامه‌هایشان کمک کند و هم در جذب بیشتر مخاطبان موفق شود.

یک؛ استفاده از ظرفیت شهرستان‌ها

بسیاری از روستاها و شهرستان‌های ایران مراسم و آیین‌های جذاب و قدیمی در ماه‌های محرم و صفر دارند. براساس آنچه در کتاب‌های تاریخی و مذهبی آمده، بیش از صدها شکل ورسم عزاداری در ایران وجود دارد که نهایت شناخت مردم با مدیران به شهرهای جنوبی یا بزرگ می‌گردد. در سراسر ایران این عزاداری‌ها وجود دارد و مستندهای خوبی هم از آنها ساخته شده که می‌تواند هم باعث شناخت بیشتر مردم شود و هم جذابیت بالایی دارد. آشنایی با مدل‌ها و سبک‌های مختلف عزاداری در سطح ملی، یک فرصت طلایی برای معرفی فرهنگ و مذهب به صورت توامان است. عمل به این شعار که گفته می‌شود ایران فقط تهران یا شهرهای بزرگ نیست را از همین ماه محرم می‌شود

محرم امسال با وجود کرونا برای تلویزیون باید مهم‌تر باشد اما گویا نباید منتظر معجزه باشیم

امان از دست خالی تلویزیون برای محرم

سیدمهدی موسوی‌تبار
روزنامه‌نگار

«فعلا چیزی مشخص نیست»، «قرار است در جلسه‌ای که آخر هفته برگزار می‌شود مشخص شود»، «تمرکزمان فعلا روی غدیر است»، «هنوز تصمیم قطعی نگرفتیم» اینها جواب‌های برخی از مدیران صداوسیما به سوال ما درباره کیفیت و کمیت برنامه‌های رادیو و تلویزیون برای محرم امسال بود. نزدیک به دو هفته به آغاز ماه محرم مانده و با وجود حساسیت‌های امسال اما هنوز خبری از اعلان برنامه‌های ویژه صداوسیما نیست. برنامه‌هایی که البته حدس‌شان با توجه به سابقه سال‌های اخیر خیلی کار سختی نیست. اگر صداوسیما در نوروز ۹۹ غافلگیر شد و مردم هم به آنها حق دادند یا اگر در ماه رمضان هم همچنان غافلگیر بودند و عده‌ای این‌بار هم به آنها حق دادند، اما پس از گذشت حدودا پنج، ۶ ماه از ورود ویروس کرونا به کشور دیگر کسی به رادیو و تلویزیون حق نمی‌دهد که برای ماه محرم غافلگیر باشد و برنامه‌ای نداشته باشد. همه می‌دانیم که کار کردن در این شرایط سخت است و از آن‌سو همه می‌دانیم که محرم امسال خاص‌ترین محرم در دو سه دهه اخیر است. اگر سال‌های گذشته وقت بخش عمده‌ای از مردم در تکایا و هیات‌های مذهبی پر می‌شد امسال اما با توجه به پروتکل‌های بهداشتی و شرایط خاص، تلویزیون باید این وظیفه را به دوش بکشد. البته این وظیفه خیلی پیچیده و سخت نیست. روال کار صداوسیما در سال‌های اخیر تقریبا ثابت بوده است. کرونا شاید برخی برنامه‌های مدیران صداوسیما را به هم زده باشد اما در مجموع به نفع آنها تمام شده است. هر انتقادی که به برنامه‌های سال ۹۹ می‌شود را به حضور این ویروس منحوس ربط می‌دهند و پشت کرونا پنهان می‌شوند. شاید مدیران تلویزیون از حضور کرونا خیلی هم ناراحت نباشند هرچند مردم خاطرشان هست که پیش از کرونا چه برنامه‌ها و سریال‌هایی را تماشا می‌کردند.

برنامه‌های تکراری، میهمان‌های ثابت

کافی است که سری به آرشیو صداوسیما در سال‌های اخیر بزنید و برنامه‌های مناسبتی ماه محرم را بررسی کنید. در بهترین حالت یا چهار یا پنج قالب از برنامه‌سازی روبه‌رو می‌شویم: سخنرانی مذهبی، گفت‌وگوی زنده یا ضبط شده، پخش مداحی، تکرار سریال‌های تاریخی یا مذهبی و پخش زنده از شهر کربلا. اگر به ذهن‌تان هم رجوع کنید چیزی فراتر از این برنامه‌ها پیدا نخواهید کرد. قالب‌هایی که کار را برای مدیران و تهیه کنندگان تلویزیون راحت کرده، اما از آن طرف شاهد حضور مردمی هستیم که باور دارند تلویزیون برای عزاداری کافی نیست و خودشان باید کاری کنند. امسال اما قرار است مردم خودشان خیلی کاری نکنند، یعنی نباید حضور گسترده‌ای در تکایا و خیابان‌ها داشته باشند.

برگردیم سراغ تلویزیون. اینکه در مناسبت‌هایی شبیه به محرم، چرا برنامه‌های شنیدنی بیشتر از برنامه‌های دیدنی تولید می‌شود، سوال بی‌جوابی است که سال‌ها پرسیده می‌شود. در روزگاری که هر سال به شبهات دینی و معارفی نسل جوان اضافه می‌شود صداوسیما که قرار بود دانشگاه باشد چه کرده است؟ حضور کارشناسان خودی، گزیده و محدودش چقدر راهگشا بوده است؟ اثرات گفت‌وگوهای زنده طولانی با سخنرانی‌های ثابت روزانه را در نسل جوان‌مان می‌توانیم ببینیم؟ گذاشتن دو صندلی روبه‌روی دوربین و زدن حرف‌های تکراری و خواندن پیامک‌های مردمی اوج خلاقیت برنامه‌سازان تلویزیون است؟ سهم شهروستان‌ها و آیین‌های محلی و مذهبی از تلویزیون ملی چقدر است؟ چه درصدی از صحبت‌های کارشناسان مذهبی بر سبک زندگی روزانه مردم و مخاطبان اثر دارد؟ مدیران تلویزیون و برنامه‌سازان قرار است صرفا گفت‌وگو شبکه‌ها را پر کنند یا به دنبال خروجی مفید و موثر هم هستند؟ خانواده‌ها در شرایط بد اقتصادی کنونی می‌توانند از برنامه‌های ماه محرم برای آرامش بیشتر و استحکام روابط‌شان استفاده کنند؟

با توجه به اطلاعات کسب شده، امسال به‌جز سخنرانی‌ها، مداحی‌ها و همان برنامه‌های زنده استودیویی از داخل ایران با عزاق نباید توقع برنامه جدیدتری از تلویزیون داشت. قطع به یقین شاهد پخش سریال هایی مانند «مختار نامه» و «معصومیت از دست رفته» و «سعیرا» هم خواهیم بود سال من فراموش نشود.

پیشنهادهایی برای تلویزیون

مجددا برای مدیران محترم سازمان صداوسیما یادآوری می‌کنیم که محرم امسال به دلیل شرایط ویژه حاکم بر کشور و دنیا خاص است و اهمیت دارد. گروهی که خودشان مراسم عزوسی برگزار می‌کنند و سفرشان قطع نمی‌شود منتظر نشستند که پس از اتمام ماه محرم و حتی صفر، تمام بیماری‌ها و مرگ‌ومیرها را به گردن عزاداری برای امام حسین(ع) بیندازند و گروهی دیگر هم بی‌توجه به پروتکل‌های بهداشتی و خطرات احتمالی و برای شلوغ شدن منبرشان، مردم را به خیابان‌ها می‌کشانند و خاطرشان را بی‌دلیل راحت می‌کنند که ویروس کرونا با عزاداران سیاسلشدا کاری ندارد. در این شرایط صحبت‌های رهبری در روز عید قربان هرچند تکلیف را برای مداحان و منبری‌ها روشن کرد، اما اوضاع را برای تلویزیون سخت‌تر کرد. تلویزیون باید هم خوراک مناسب به بینندگان ثابت احتمالی‌اش بدهد و هم باید سعی در جذب اقشاری بکند که عموما بیرون از خانه عزاداری می‌کردند و حالا شاید نگه‌داشتن‌شان در خانه سخت باشد.

در این حال و احوال برای مدیران تلویزیون پیشنهادهایی داریم که شاید هم به تنوع برنامه‌هایشان کمک کند و هم در جذب بیشتر مخاطبان موفق شود.

یک؛ استفاده از ظرفیت شهرستان‌ها

بسیاری از روستاها و شهرستان‌های ایران مراسم و آیین‌های جذاب و قدیمی در ماه‌های محرم و صفر دارند. براساس آنچه در کتاب‌های تاریخی و مذهبی آمده، بیش از صدها شکل ورسم عزاداری در ایران وجود دارد که نهایت شناخت مردم با مدیران به شهرهای جنوبی یا بزرگ می‌گردد. در سراسر ایران این عزاداری‌ها وجود دارد و مستندهای خوبی هم از آنها ساخته شده که می‌تواند هم باعث شناخت بیشتر مردم شود و هم جذابیت بالایی دارد. آشنایی با مدل‌ها و سبک‌های مختلف عزاداری در سطح ملی، یک فرصت طلایی برای معرفی فرهنگ و مذهب به صورت توامان است. عمل به این شعار که گفته می‌شود ایران فقط تهران یا شهرهای بزرگ نیست را از همین ماه محرم می‌شود

در تلویزیون آغاز کند. اگر مردم شهرهای کوچک، رسم عزاداری خودشان را از گیرنده‌هایشان ببینند هم دلگرم و هم قانع می‌شوند برای در خانه ماندن و رعایت پروتکل‌های بهداشتی.

دو؛ تعزیه

یکی از رسوم مهجور و فراموش شده در ماه محرم تعزیه‌خوانی است. تهیه و پخش تعزیه‌خوانی‌های جذاب قدیمی یا حتی جدید یکی دیگر از برنامه‌هایی است که می‌تواند علاوه‌بر پرکردن کند آکنور شبکه‌ها باعث بالارفتن تعداد مخاطبان هم بشود. البته ممکن است نسل‌های جدید با تعزیه رابطه خوبی برقرار نکنند، اما حتما که کاری در این حوزه باعث ایجاد این فاصله شده و نیاز به تکرار و تنوع دارد تا این هنر ارزنده مجدد بین مردم جا بیفتد. در حالی که در سال‌های اخیر شاهد برگزاری تعزیه در کشورهای دیگر بودیم، استفاده نکردن از این ظرفیت بالاتوهی بدسلیقگی است هرچند ممکن است در ابتدا مورد توجه زیادی قرار نگیرد، اما گزینش بهترین تعزیه‌ها و پخش آنها در ساعت مناسب می‌تواند امسال مورد استفاده قرار بگیرد.

سه؛ ارزش افزوده و سریال‌های تکراری

حالا که ظاهرا گریزی از پخش تکراری سریال‌های تاریخی نیست دست کم دوربین به آن اضافه کنید و فقط دکمه پخش را نزنید و بروید سراغ کار و زندگی‌تان. استفاده از پشت‌صحنه‌های جذاب این سریال‌ها در کنار پخش سریال یا انجام و پخش گفت‌وگو با عوامل سریال‌های پخش شده می‌تواند باعث تنوع برای مخاطبان شود. حضور کارشناسان آگاه و خوش‌بیان برای معرفی شخصیت‌های تاریخی نشان داده شده در سریال هم می‌تواند به فهم بیشتر بینندگان کمک کند و برنامه‌ها را از روال خسته کننده و تکراری نش نجات دهد.

چهار؛ باز شدن دایره مداحان و منبری‌ها

البته این پیشنهاد به آن معنا نیست که به مداحان و روحانیون اینستاگرامی فضا داده شود یا همه نگاه‌های دینی تربیون داشته باشند، بلکه امکان استفاده از هم ظرفیت‌های نیروهایی است که داخل نظام حضور دارند و به آن معتقدند، هرچند ممکن است اختلافات نظری هم با سازمان صداوسیما داشته باشند. شنیدن حرف‌های تازه، متقن و دقیق و نه من‌درآوری حق مردم و نسل‌های تازه است. اگر عموم مردم حرف‌های درست و منطقی را از تلویزیون خودشان نشنوند حتما به سمت فضای مجازی می‌روند و آنجا پای صحبت هر مداح یا روحانی از راه رسیده‌ای می‌نشیند و ممکن است چشم بسته حرف‌های آنها را قبول کند. چه اشکالی دارد که در ماه محرم از تلویزیون ملی، مناظرات دینی به صورت زنده پخش شود؟ آیا پخش این مناظرات ممکن است وضعیت دینی کشور را از شرایط فعلی بدتر کند؟ به جای اینکه مردم شاهد حرف‌های تکراری یک نفر از تلویزیون آن هم ساعت ۶ صبح باشند بهتر نیست آن فرد در کنار افراد دیگری مناظره کنند یا حتی به مردم اجازه داده شود که سوالات خود را به‌صورت تلفنی مطرح کنند و کارشناسان مختلفی به ابهامات و شبهات آنها پاسخ دهند؟

قبول داریم که انجام این پیشنهادها سختی دارد و باید برایش زحمت کشید و هزینه داد. باید جلوی واکنش‌ها ایستاد و ممکن است صدای‌های مدیریتی دچار لغزش شوند. اما توصیه جدی‌مان به صداوسیما این است که تا دیر نشده سخن تازه بگوید.

نگاهی به سریال‌های محرمی صداوسیما

باز هم همه‌چیز گردن کرونا!

عاطفه جعفری
روزنامه‌نگار

«ما حرفی نداریم کار کنیم»، در این گرمای هوا و با وجود کرونا، کار را انجام می‌دهیم. چون می‌دانیم برای امام حسین(ع) کار می‌کنیم. اما نکته اینجاست که تکلیف مشخص نمی‌شود، نمی‌دانیم روی آتش هستیم یا نه؟ همه اینها باعث می‌شود تا بچه‌ها انگیزه کار کردن نداشته باشند، این صحبت‌های یکی از عوامل اجرایی برنامه‌هایی است که برای محرم درنظر گرفته شده است. اما نبودن برنامه‌ریزی از سوی شبکه‌ها باعث شده تا نتوانند افق روشنی برای کارشان داشته باشند. قرار بود در این صفحه از سریال‌های آماده برای ماه محرم بگوییم اما انگار همه چیز، طبق برنامه‌ریزی نباید پیش برود.

هر ساله با نزدیک شدن به ایام محرم، همه شبکه‌های تلویزیونی در تدارک ساخت برنامه‌های جدید می‌شوند تا با رسیدن به این ماه بتوانند عرض‌اندامی کنند و بهترین‌ها را از شبکه‌هایشان پخش کنند. این مساله نه‌فقط برای ماه محرم که در ماه رمضان و ایام نوروز هم صادق است. اما امسال با توجه به شیوع ویروس کرونا، همه چی در محرم متفاوت خواهد بود، درست مثل ماه رمضان که متفاوت از هر سال بود.

شبکه‌ها و سریال‌ها

برای اینکه بدانیم هر شبکه چه سریالی را برای ماه محرم امسال آماده دارد به سراغ روابط‌عمومی این شبکه‌ها رفتیم که درنهایت فقط به سریال «بوم و بانو» که برای پخش از شبکه دو سیما آماده شده است، رسیدیم. سریالی که سعید سلطانی، کارگردانی آن را به عهده دارد و نویسندگی آن هم به عهده شعله شریعتی و اعظم بهروز است و آرمان زرین کوب تهیه کننده‌گی آن را به عهده دارد و بعد از سریال ستایش، این دومین همکاری زرین کوب و سعید سلطانی است.

قصه این سریال تاریخی در دوران پهلوی اول است و لایه‌های زیرین زندگی اجتماعی مردم و آن مقطع زمانی به تصویر کشیده می‌شود. قرار بود از ترمراه امسال تصویربرداری این سریال تاریخی آغازشود تا برای ماه محرم پخش آن شروع شود. نکته مهم در مورد این سریال این است که هنوز تصویربرداری آن آماده دارد و احتمالا با شروع پخش، همچنان تصویربرداری آن ادامه خواهد داشت.

شبکه دیگری که برای پخش برای ماه محرم آماده دارد به سراغ سریال اعلام آمادگی کرده است، شبکه پنج سیما بود که البته به‌تازگی مشخص شده است که قرار است از سریال‌های قبلی این شبکه که در این ایام پخش می‌شد، استفاده کننده و سریال جدیدی ندارند.

شبکه سه سیما هم سریالی که احتمالا برای پخش در ایام محرم آماده می‌کند سریال «زمین گرم» ساخته سعید نعمت‌الله است. این سریال یک ویژگی مهم دارد که سعید نعمت‌الله برای اولین بار کارگردانی کرده است. ۱۱ خردادماه همین امسال اعلام شد که این سریال حدود ۴۰ درصد از فیلمبرداری‌اش انجام شده است و گروه درحال کار هستند تا این سریال را به محرم برسانند. سعید نعمت‌الله را با متن‌ها و دیالوگ‌های خاصش می‌شناسیم. متن‌هایی که برای سریال‌های مختلف نوشته است و سریال‌های شاخصی همچون: «رستگاران»، «زیر هشت»، «دیوار»، «مدینه» و «میکائیل» به کارگردانی سیروس مقدم و «جراحت»، «شیدایی»، به کارگردانی محمدمهدی عسگرپور و «پشت بام تهران»، «عقیق»، «زیر پای مادر» به کارگردانی بهزنگ توفیقی و «برادر جان» به کارگردانی محمدرضا آهنج را او با نویسندگی خاصش نوشته است و همچنین نگارش سه فیلم سینمایی «طاووس‌های بی‌پر» به کارگردانی جواد مرذآبادی، «حوالی اتوبان» به کارگردانی کیارش اسدی‌زاده و «زنبور کارگر» به کارگردانی افشین صادقی را نیز برعهده داشته است. سریال «زمین گرم» که به گفته خود سعید نعمت‌الله تکمیل کننده تریلوژی برادر در فضای خانوادگی و با لحنی متفاوت نسبت به دو سریال «جراحت» و «برادر جان» که فصل‌های پیشین این تریلوژی محسوب می‌شوند، نگارش شده است. نکته دیگر در مورد این سریال این است که همچنان فیلمبرداری‌اش ادامه دارد و هنوز زمان پخش آن مشخص نشده است.

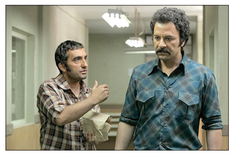

سریال «نجلا» دیگر سریال مناسبتی شبکه سوم سیماست که برای ماه صفر از این شبکه پخش می‌شود. سریال «نجلا» به کارگردانی خیراللّه تقیانی‌پور و به تهیه کنندگی سعید سعدی برای پخش در ایام اربعین تولید شده است. قصه این سریال در سال ۵۸ می‌گذرد. داستان سریال ارتباط خاصی با انقلاب اسلامی یا دفاع مقدس ندارد بلکه عاشقانه‌ای حول امام حسین(ع) است حسام منظور، آزیتا حاجیان و ملیکا شریفی نیا ازجمله بازیگران این سریال هستند. البته فیلمبرداری این سریال در کشور عراق است که کارگردان سریال در مورد آن می‌گوید: «قسمت‌های پایانی این سریال در کربلا رخ می‌دهد و تصویربرداری ما در عراق بستگی به شرایط فعلی آن زمان به دلیل بیماری کرونا دارد و اگر هم نتوانیم به عراق برویم بخش‌های مربوطه را در تهران دکورسازی می‌کنیم. «شبکه یک سیما هم که شبکه‌های مرجع مردم است هنوز برای اینکه چه سریالی داشته باشد، به اجماع نهایی نرسیده و وقتی علت این اتفاق را سوال کردم، همه چیز را مرتبط با اوضاع کنونی، یعنی کرونا می‌دانند و می‌گویند با توجه به شرایط نمی‌توان به گروه‌های برنامه‌ساز فشار بیاوریم که حتما سریال مورد نظری را آماده کنند برای همین تا نزدیک شدن به ماه محرم، باید منتظر باشیم تا ببینیم کدام سریال آماده می‌شود. اینکه کرونا وجود دارد و زندگی ما را تغییر داده است و مجبور به این هستیم که جلسات مان را جلسات کنیم همه‌مان به‌خوبی می‌دانیم اما اینکه، برای همه چیز کرونا بهانه‌مان بشود مساله دیگری است.

نمایش خانگی‌ها کرونا نمی‌گیرند؟

بیاید جور دیگری به قضیه نگاه کنیم، درحال حاضر چندین برنامه تلویزیونی از صبح تا شب در حال تولید هستند، چه برنامه‌های زنده و چه سریال‌های تولیدی، از طرف دیگر در شبکه نمایش خانگی، برنامه‌های زیادی درحال ساخت است؛ از سریال‌ها تا تلنت شوهای مختلف که هر روز خبرشان را در خبرگزاری می‌بینیم و می‌شنویم و این برنامه‌ها در وضعیت کنونی درحال ساخت هستند. مثلا سریال «آقازاده» در همین هفته‌ای که در آن قرار داشتیم، تصویربرداری‌اش به پایان رسید. یا سریال مصطفی کیایی اواخر اسفندماه بود که تصویربرداری‌اش به پایان رسید. منوچهر هادی هم درحال آماده‌سازی برای سریال جدیدش یعنی گیسو است. علاوه‌بر آن سریال‌های دیگر صداوسیما این روزها درحال فیلمبرداری هستند مثلا «سلمان» «داوود میرباقری درحال فیلمبرداری است یا سریال دیگری که ارائه‌کننده آن هنوز اجازه زیادی از آن می‌شنویم، سریال «داستان» مسعود ده‌نمکی است. مطمئنا شرایط کار راحت نیست و در این اوضاع باید خیلی از مسائل رعایت شود، اما اینکه همه چیز را به کرونا ربط دهیم و کاری انجام ندهیم، به بی‌برنامگی مدیران تلویزیون خاصه برای این دوره باز می‌گردد. محرم امسال شرایط متفاوت‌تر از محرم‌های سال‌های دیگر است. مردم و عزاداران حسینی علی‌رغم میل باطنی و عادات هر سال‌شان در ماه محرم هیچ مسجد که بیشتر شب‌های محرم را در خانه باشند. اگر همان شعاری که وزارت بهداشت برای محرم امسال انتخاب کرده را درنظر بگیریم که: «هر خانه یک حسینیه» توجه به تولید آثار با محتوای سوگواری امام حسین(ع) ازجمله ضرورت‌های امسال تلویزیون است که باید برایش برنامه‌ریزی جدی صورت می‌گرفت. غیر از برنامه‌ریزی برای پخش سریال‌ها که مطمئنا مهم هستند از هیات‌ها بخواهند برنامه‌هایشان را با صداوسیما هماهنگ کنند و طبق مواردی که وزارت بهداشت تعیین می‌کند، برنامه‌ها را پخش کنند. تا مردم بتوانند از همین برنامه‌ها استفاده کنند. مطمئنا این اقدام کمترین کاری است که مردم از شبکه‌های تلویزیونی انتظار دارند.

ادامه از صفحه ۱۲

نگاه

نگاهی کوتاه به کارنامه کاری مرحوم خسرو سینایی

برای مردی که هنوز سودای ساختن و انتقال تجربیاتش را داشت

مجتبی اردشیری
روزنامه‌نگار

خسرو سینایی، استاد قدردانده شده سینمای ایران است. او در ۵ دهه فعالیت مستمر خود در حوزه سینما، ادبیات و موسیقی، نه به‌عنوان یک فیلمساز دولتی شناخته شده‌نه کارگردان پروژه‌محور. یکی از شاخصه‌های اعتباری او نیز همین بود که طی ۵۰ سال، به‌طور متوالی فیلم ساخت و هیچ‌گاه انگ دولتی بودن یا حمایت خاص از او نشد.

این سلامت نگه‌داشتن ضمیر، از همان دهه ۴۰ خود را نشان داد. زمانی که پس از تحصیلات تکمیلی در حوزه سینما، موسیقی و معماری در اروپا، به ایران بازگشت و خیلی بی‌سروصدا، کارش را شروع کرد. در آن سال‌هایی که پایه‌های تئاتر نوین در ایران به همت برگزانی چون هادی اسلامی، جعفر والی و علی نصیریان درحال تعریف شدن بود و کارگردانان موج نو، هنوز ابراز وجود نکرده بودند، وی اساس مستندسازی را در ایران پایه گذاری کرد.

سلامتی او در آن برهه، درسرگم شدن به کار خودش تعریف می‌شد. سینایی در آن سال‌ها، یکی از معدود تحصیلکرده‌های حوزه فرهنگ ایران بود که ترجیح داد به‌جای فضاسازی‌های کاذب و کسب عنوان برای خود، به حرفه دلی خویش بپردازد. در آن سال‌هایی که مردم علاقه‌مندی بالایی به تماشای فیلمفارسی‌ها نشان می‌دادند و طبقه روشنفکر نیز از تئاترها و جریان نوی سینمای ایران استقبال می‌کردند، سینایی یک‌تنه به تولید مستند پرداخت. تمام آن افرادی که در نیمه دوم دهه ۴۰ فعالیت‌های هنری را پی‌ریزی کردند، به عنوانی دست یافتند، اما سینایی هیچ‌گاه به‌عنوان پدر مستند ایران شناخته نشد. با آنکه طی یک دهه فعالیت پیش از انقلاب خود، حدود ۲۰ مستند ساخت اما تا امروز وی هیچ‌گاه به‌عنوان پدر معنوی این حوزه شناخته نشد. حال آنکه در سال‌های پیش از انقلاب، هیچ کس به اندازه سینایی تا این اندازه به مستند بها نداده بود. پس از انقلاب نیز به همین ترتیب. او در سال‌هایی که جوایز بسیاری از جشنواره‌های داخلی و خارجی برده بود و نام وی در فستیوال‌هایی چون کارلووی‌واری و کن ثبت شد، اما همچنان مستند ساخت و به این حرفه پایبند ماند. تا جایی که امروز، از او نزدیک به ۸۰ مستند برجای مانده است. تنها یک مستند او در سال ۵۶ با عنوان «تهران امروز» تصاویر یک شهر، شهرتی جهانی پیدا کرد و جوایز بسیاری را برای او به همراه آورد. دو سال بعد از انقلاب، سینایی، اولین فیلم سینمایی پس از انقلاب را ساخت و همچنان کارلووی‌واری نمایش داده شده و جایزه می‌گیرد. بدین ترتیب نخستین حضور جهانی سینمای پس از انقلاب و نخستین جایزه بین‌المللی ما با این فیلم، فرهم خورد، اما یک جرقه قدر نداشتن، همواره با سینایی بود. شاید چون اهل قشقرق و بازی‌های رسانه‌ای نبود. وگرنه او از سال ۶۴ که فعالیت‌های حرفه‌ای‌اش را آغاز کرد تا سال ۸۵ که زنده‌یاد، به شهرتی جهانی رسید، حداقل در ۳ مناسبت می‌توانست عناوین ممتازی را به‌دنبال نام خود بدک بکشد: پدر مستند ایران، سازنده مطرح‌ترین مستند حضور انقلابی مردم ایران و کارگردان نخستین فیلم جهانی سینمای پس از انقلاب ایران. در ادامه هم فیلم‌های او به‌جز «عروس آتش»، در زمان خودشان چندان قدر دانسته نشدند. با آنکه وی در پس از انقلاب نیز همان مسیر حرفه‌ای گری را ادامه داد و این‌بار به فیلم بلند، داستانی توجه ویژه‌ای نشان داد. علاوه‌بر این، کتاب ترجمه کرد، موسیقی فیلم ساخت، به تدوین فیلم پرداخت و... اما در تمام این سال‌ها کمتر سینماددوستی بود که از این میزان توانمندی سینایی مطلع بوده باشد. سینایی در همان دهه ۴۰ موجه علاقه‌مندی مردم به دیدن آثار داستانگوش، به همین دلیل عمده مستندهایش، رویه‌ای داستانی داشته و از مستندهای صنعتی که فرآیندی ضدقصه دارند و احتمال سفارشی بودن‌شان زیاد است، اجتناب کرد. او حتی در مهم‌ترین فیلم‌های سینمایی‌اش نیز به مستند وفادار ماند و تم قصه گویی‌اش را در تمام کارهایش رعایت کرد. سینایی در ابتدای دهه ۶۰، یعنی درست در سال‌هایی که عمده کارگردانان سینمای ایران سعی داشتند آثاری با محوریت دفاع مقدس و درام‌های جاسوسی و انقلابی بودند، در فام روانشناختی «هویای درون» را چون دوربین بود. او در این فیلم به تشریح وجود روانشناختی و وحشت پرداخت که تا آن زمان نمود چندانی در سینمای ایران نداشتند. او در این تصویرگری، تکنیک‌های اجرایی خوبی در حوزه کارگردانی، تصویربرداری، جلوه‌های ویژه و تدوین نشان داد و توانست در سال ۶۲، لوح زرین بهترین کارگردانی جشنواره فجر را از آن خود کند. او توانسته بود آن نگاه مرضی موجود در مستندهایش را احیا در آثار سینمایی‌اش نیز پیاده کند. همین مشی را در آثار بعدی‌اش هم ادامه داد تا در سال ۷۸ به سوژه داستانگوتری رسید. اودر «عروس آتش» دست‌روی سوژه ملتهبی گذاشت که شاید مصادیقش را به‌راحتی نمی‌توانست در یک مستند بلند به‌نمایش درآورد. به همین دلیل درام‌اثر در آن دخالت داد و توانست زنگ خطرها را نسبت به فاجعه‌ای مستند به‌صدا درآورد. فیلم دیده شد و این دیده شدن برای اولین و آخرین بار بود که در عمر سینمایی سینایی لحاظ شد.

پس از این فیلم، «سینایی» باز به خاستگاه اصلی خودش یعنی مستند بازگشت و همچنان ساخت. حتی سه فیلم بعدی‌اش هم در این راستا تعریف می‌شوند و شکل اسنادی آنها بر وجوه داستانی‌شان غلبه دارد. هرچه جلوتر آمد و بر وقار هنری‌اش افزوده شد، نمادلایمنی‌های بیشتری دید تا جایی که آخرین ساخته سینمایی‌اش (جزیره رنگین) علی‌رغم حضور در جشنواره فجر، خیلی بی‌سرودصدا در گروه کم‌مخاطب هنرنوجربه به نمایش درآمد.

در دوره حاضر، هیچ چیز مانند مرگ سینایی نمی‌توانست توجه جامعه سینمایی و سینماددوستان را به او جلب کند. او در کارنامه هنری ۵ دهه‌ای خود، افتخارآفرینی‌های بسیاری ثبت کرد، اما از آنجا که اهل باندبازی و مافیا نبود، موفقیت‌هایش چندان رسانه‌ای نشد. خارج از مافیا، مدیریت‌های سینمایی نیز طی تمام ادوار، آن همکاری لازم را با او نداشتند و درست به همین علت، پیرمرد در گفت‌وگوهای گچ‌تعداد خود، بارها از این شیوه مدیریتی و آن حمایت حداقلی که باید از امثال او شود اما نمی‌شود، معترض بود.

سینایی گنجینه بزرگی برای سینمای ایران بود. سال‌های اعتبار بخشی به سینما رخصت کشید و خیلی راحت کنار گذاشته شد. ازجمله معدود باسوادهای این سینما بود که هیچ‌گاه از تحصیلات آکادمیک خود استفاده ابزاری نکرد. بیشترین شوق او حضور در جلسات هم‌اندیشی سینمایی، ورکشاپ‌ها و انتقال تجربه بود. بارها می‌گفت که برای حضور دوانش جوانان فیلمساز، هر کاری که لازم باشد انجام می‌دهد.

سینایی راحیلی ارزان از دست دادیم؛ او هنوز مشتاق ساختن بود و تجربیات زیادی در سر داشت که باید به نسل‌های دیگر منتقل می‌کرد. ضایعه فقدان او به این راحتی‌ها جبران‌پذیر نیست.

چارسو

«دادستان» یک سریال تخیلی است

پس از انتشار خبر ساخت سریال «دادستان» به کارگردانی مسعود ده‌نمکی و تهیه‌کنندگی محمدخزاعی